

## اجرای اصل آزادسازی تجاری در سازمان جهانی تجارت:

### چالشها و فرصتها

دکتر محمود باقری      استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران      bagherimahmood@yahoo.co.uk

دکتر علیرضا حجت زاده      استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور مرکزی

محمد تقی رضائی      دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور تهران

m.t.rezai@rezaeimt@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۳/۶      تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۷/۸

#### چکیده

موافقت نامه‌های سازمان جهانی تجارت، متونی حقوقی هستند که طیف وسیعی از موضوعهای مختلف، مانند کالا، کشاورزی، منسوجات، خدمات، مالکیت معنوی و غیره را در بر می‌گیرند، اما تعدادی اصول اساسی بر همه این اسناد غلبه دارد که زیربنای این نظام چند جانبه تجاری را تشکیل می‌دهد. یکی از این اصول اساسی، اصل آزادسازی تجاری است. آزادسازی تجارت در سطح بین المللی، یکی از اهداف اصلی تاسیس سازمان جهانی تجارت است. این هدف قرار است به صورت تدریجی و از طریق کاهش موانع تجاری، از جمله حقوق گمرکی یا تعرفه‌ها و کاهش محدودیتهای وارداتی، مانند سهمیه بندیها که باعث محدود شدن تجارت بین المللی میان ملل جهان می‌شوند، حاصل گردد. علی‌رغم پذیرش این اصل مهم توسط همه اعضای سازمان جهانی تجارت، مقوله آزادسازی تجاری هنوز یکی از مجادله انگیزترین مباحث در سازمان جهانی تجارت، بخصوص در مرحله اجرای آن است. تفاوت‌های عمیق میان اعضای این سازمان از نظر سطح اقتصادی و همچنین نیازها و دغدغه‌های آنها، مشکلات متعددی بر سر راه ادغام این کشورها در یک نظام تجاری چندجانبه ایجاد کرده است. در این مقاله، به ماهیت این اصل و مقررات مربوط به آن در موافقت نامه‌ها و قواعد سازمان جهانی تجارت و همچنین فرصتها و چالشهای فراروی اجرای آن پرداخته می‌شود. همچنین کارایی اجرای این اصل در این نظام چند جانبه تجاری و رابطه میان آزاد سازی تجارت و توسعه بین المللی، عدالت و فقر جهانی و حفاظت از محیط زیست بررسی می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: آزاد سازی تجارت بین الملل، سازمان جهانی تجارت، تجارت و توسعه بین المللی.

مقدمه:

آزاد سازی تجارت میان ملل جهان مستلزم حذف موانع تجاری بین آنهاست. حذف یا کاهش موانع تجاری، یکی از واضحترین وسیله‌های تشویق تجارت بین المللی است. موانعی که سر راه تجارت وجود دارند، شامل حقوق گمرکی (یا تعرفه‌ها) و تدابیری مانند ممنوعیت‌ها و محدودیتهای وارداتی است. از زمان ایجاد گات (۴۸-۱۹۴۷) هشت دور مذاکرات تجاری برای رفع این موانع برگزار شده است و دور نهم در قالب سازمان جهانی تجارت زیر عنوان «دستور کار توسعه دوحه» در جریان است. در ابتدا توجه عمده بر کاهش تعرفه‌های واردات کالاها (حقوق و عوارض گمرکی) معطوف بود. در نتیجه این مذاکرات تا اواسط دهه ۱۹۹۰ نرخهای تعرفه ای کشورهای صنعتی در مورد کالاهای صنعتی تا حدود ۴ درصد کاهش یافت. موافقت نامه‌های سازمان جهانی تجارت به کشورها اجازه می‌دهد که تغییرات را به تدریج از طریق آزاد سازی مستمر اعمال کنند و کشورهای در حال توسعه بدین منظور فرصت بیشتری دارند تا تعهداتشان را در این زمینه اجرا نمایند (W.T.O., 2007:13). آزاد سازی تجاری از طریق رفع تدریجی موانع غیر تعرفه‌ای و تبدیل آن به تعرفه‌ها، تثبیت سقف تعرفه‌ها و تعهد به کاهش تدریجی سطح تعرفه‌ها صورت می‌گیرد (دفتر نمایندگی تام‌الاختیار جمهوری اسلامی ایران، معرفی سازمان جهانی تجارت).

– ماهیت و مبانی نظری آزاد سازی تجاری:

آزاد سازی تجاری در سطح بین المللی پدیده‌ای است که از طریق تقسیم بین المللی کار و تخصص بین کشورها می‌تواند زمینه رشد و توسعه اقتصادی آنها را فراهم آورد. تا کنون در زمینه آزادی تجارت بین المللی نظریات مختلفی مطرح شده است که همگی در صدد پیدا کردن مبنای برقراری و جهت و چگونگی بهره‌گیری کشورها از تجارت بین الملل است. پایه نظریه‌های تجارت بین الملل از برخورد نظریه‌های اقتصادی به وجود آمده که در قرون گذشته مطرح بوده است. از مهمترین این نظریه‌ها می‌توان عقاید مرکانتی لیست‌ها (سوداگران یا زراندوزان)، نظرات آدم اسمیت و دیوید ریکاردو (علمای اقتصادی مکتب کلاسیک) را نام برد (محتشم دولشاهی، ۱۳۸۵: ۵۸). نظریه سوداگران که از قرن سیزدهم تا اواسط قرن هجدهم در کشورهای، مانند بریتانیا، اسپانیا، فرانسه و هلند به دنبال رونق یافتن کسب و کار تجار اروپایی

رواج یافت، نخست بر کسب طلا و نقره از هر مسیر ممکن، دوم افزایش ثروت و قدرت دولت مرکزی و سوم مداخله مستقیم دولت در امور اقتصادی و کنترل آن تأکید داشت (پژوهان، کاشی و یگانه، ۱۳۸۳: ۵). سوداگران معتقد بودند که مهمترین راه برای آنکه کشوری ثروتمند و قدرتمند شود آن است که صادراتش بیش از وارداتش باشد و در نتیجه ما به التفاوت با دریافت یک فلز قیمتی مانند طلا تسویه گردد. در این رابطه، قدرتمند تر شدن هر کشور را بر مبنای داشتن طلای بیشتر می دانستند. از این رو، سوداگران از این عقیده حمایت می کردند که دولت باید صادرات را تشویق و واردات را محدود کند (بیدآباد و طبری، ۱۳۸۴: <http://www.bidabad.com/doc/wto-Iran-gtml>).

نظریه سوداگران امروزه مردود است، زیرا واقعیت های تجارت بین المللی نشان می دهد که هیچ کشوری نمی تواند صرفاً صادر کننده باشد و واردات را تا حد بسیار محدود کند. امروزه حتی بزرگترین قدرت های اقتصادی جهان نیز قادر به محدود کردن واردات نیستند. به گفته کریستینا سویلا، دستیار نماینده تجاری آمریکا در امور میان دولتی و روابط عمومی وزارت امور خارجه آمریکا، حتی ایالات متحده که در قرن بیستم یکی از بزرگترین قدرتهای اقتصادی جهان بوده نیز قادر به محدود کردن واردات نیست و لذا آمریکا بزرگترین اقتصاد جهانی و بزرگترین صادر کننده و وارد کننده به شمار می رود (Sevilla, 2007, <http://usinfo.stste.giv/goumals/itee/0107/ijee/sevilla.htm>). بنابراین، نظریه سوداگران در جهان امروزی نمی تواند زیر بنای مناسبی برای تجارت بین الملل باشد.

آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ در کتاب ثروت ملل فروض مکتب سوداگران را زیر سؤال برد. او عقیده داشت که تجارت آزاد بین کشورها باعث تقسیم کار شده، عوامل تولید کشورها بر تولید کالایی متمرکز خواهد شد که آن کالا در مقایسه با کالای سایر کشورها ارزانتر تولید شود. در این صورت است که هر دو کشور از تجارت سود می برند. او استدلال نمود که از طریق تجارت آزاد هر کشور می تواند در تولید کالایی تخصص پیدا کند که در آنها دارای مزیت مطلق است (بیدآباد و طبری، همان). این نظریه نیز نمی تواند با توجه به واقعیت های موجود اقتصاد جهانی کارایی چندانی داشته باشد، زیرا فقط اقتصادهایی را می تواند پوشش دهد که مزیت مطلق داشته باشند؛ حال آنکه در جهان معاصر تنها تعداد اندکی از کشورها

دارای مزیت مطلق در زمینه های خاص هستند. بعدها نظریه مزیت نسبی<sup>۱</sup> ریکاردو مطرح شد. ریکاردو عقیده داشت که حتی اگر کشوری در تولید دو کالا نسبت به کشور دیگری مزیت مطلق داشته باشد، تجارت مزیت دار متقابل هنوز می تواند انجام شود (رحیمی بروجردی، ۱۳۷۴: ۵۵). در این صورت کشوری که در تولید یک کالا دارای مزیت مطلق بیشتری است (مزیت نسبی)، باید به تولید و صدور آن کالا پردازد، در حالی که کشور دیگر که مزیت مطلق بیشتری در تولید کالای دوم دارد، باید به تولید و صدور کالای دوم اشتغال یابد (محتشم دولتشاهی، همان منبع: ۵۸). اصل مزیت نسبی بحث برانگیزترین مقوله در علم اقتصاد است. برای روشن شدن موضوع مثالی که سایت سازمان جهانی تجارت در توضیح این مطلب آورده، مفید است: فرض کنید کشور الف در تولید اتومبیل از کشور ب بهتر عمل می کند و کشور ب در تولید نان. واضح است که اگر هر دو کشور در محصولات خود متخصص شوند و آن را تجارت کنند، هر دو نفع می برند. این همان وضعیت مزیت مطلق است. اگر کشور الف در تولید اتومبیل برتری بسیار بیشتر و در تولید نان برتری تا حد کمتری دارد، بنابراین کشور الف می باید منابع خود را در تولید اتومبیل سرمایه گذاری کند و آن را به کشور ب صادر نماید. کشور ب نیز باید در تولید نان به همین گونه عمل نماید؛ حتی اگر به اندازه کشور الف کارایی نداشته باشد. هر دو از این تجارت نفع می برند و لازم نیست که یک کشور در همه محصولات بهترین باشد تا از تجارت نفع ببرد (W.T.O., 2007: 16). به نظر می رسد نظریه مزیت نسبی ریکاردو با واقعیت های جهان امروز همخوانی زیادی دارد. امروزه در میان کشورهای جهان کمتر کشوری یافت می شود که از مزیت نسبی در تجارت برخوردار نباشد و غالب کشورهای جهان با توجه به وضعیت و شرایط اقلیمی، جغرافیایی، نیروی انسانی و فرهنگ و تمدن گذشته خود حداقل در مواردی نسبت به سایر کشورها از مزیت نسبی برخوردارند. نظریه ریکاردو در بین اقتصاددانان یکی از پذیرفته ترین نظریات است. البته، در بین غیر اقتصاد دانان از جمله نظریاتی است که با مزیت مطلق اشتباه گرفته می شود (ibid). البته باید توجه داشت که گاهی کشورها با وجود داشتن مزیت نسبی در مورد یک کالا ترجیح می دهند آن را تولید نکنند، بلکه آن را وارد کنند. علت این است که در سطح بین المللی نیز تقسیم کار کارایی تولید را افزایش می دهد (تقوی، ۱۳۷۲: ۲۳۵).

**- مقررات مربوط به آزاد سازی تجارت:**

در مقدمه موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت<sup>۱</sup> (گات) بر تلاش های تجاری و اقتصادی به منظور ارتقای معیارهای زندگی، تضمین اشتغال کامل، توسعه بهره برداری کامل از منابع جهان و افزایش تولید و مبادله کالا و کاهش اساسی تعرفه ها و دیگر موانع تجارت و حذف رفتار تبعیض آمیز در بازرگانی بین المللی تأکید شده است. مضامین ذکر شده در مقدمه، در واقع شالوده نظام تجارت آزاد است که به طور ضمنی بر آن تأکید دارد. در سایر مواد این موافقت نامه آزاد سازی تجاری - که البته به صورت تدریجی است - با چند مکانیزم و به صورت قدم به قدم مقرر گردیده است:

**- حذف کلی محدودیت های مقداری:**

محدودیت های مقداری که بر خلاف آزاد سازی تجاری عمل می کند، سیاستی بود که از سوی کشورها در سال های بعد از جنگ جهانی اول (از ۱۹۲۹ به بعد) در پیش گرفته شد و دلیل آن بحران اقتصادی بود که در سال ۱۹۲۹ به اوج خود رسید. لذا کشورهای بزرگ، از جمله انگلستان ناچار شدند به محدود کردن آزادی تجاری و ایجاد رژیم حمایتی، از جمله سهمیه بندی برای ورود کالاهای خارجی و حتی ممنوعیت ورود کالاهای غیر ضروری متوسل شوند. بند یک ماده ۱۱ گات مقرر می دارد که اعضا نباید هیچ محدودیتی غیر از حقوق و عوارض، مالیات ها یا دیگر هزینه ها در مورد واردات از سوی سایر اعضا یا صادرات به آنها وضع نمایند. البته، در بند دوم همین ماده استثنائاتی، از جمله در مورد اقدامات موقتی به منظور جلوگیری یا کاهش آثار موارد بحرانی کمبود مواد غذایی یا دیگر محصولات ضروری و یا اجرای استانداردها یا مقررات مربوط به طبقه بندی، درجه بندی یا بازاریابی کالاها در تجارت بین الملل قائل شده است. بنابراین، چنانچه ملاحظه می شود، اولین قدم در راه آزاد سازی تجاری از طریق رفع موانع غیر تعرفه ای برداشته شده است. ماده ۱۲ موافقت نامه کشاورزی نیز با اشاره به استثنای بند دوم ماده ۱۱ گات در مورد ممنوعیت ها و محدودیت های صادراتی مقرراتی در مورد آثار این ممنوعیت یا محدودیت بر امنیت غذایی عضو وارد کننده وضع نموده است.

**- تثبیت و کاهش تدریجی سطح تعرفه ها:**

یکی دیگر از تمهیداتی که گات برای تسهیل روند آزاد سازی تجاری در نظر گرفت، تثبیت و کاهش تدریجی سطح تعرفه هاست. تثبیت تعرفه، یک تعهد حقوقی است که اعضا در گات و بعداً در سازمان جهانی تجارت گنجانند تا برای نرخ های تعرفه ای سقفی را تثبیت کنند؛ یعنی تعهد به عدم افزایش تعرفه ها به میزانی بالاتر از نرخی که در جدول تعهدات یک کشور آمده است. هدف از این اقدام، به وجود آوردن اطمینان تجاری بیشتر از طریق وضع حداکثر یا سقف بر نرخ تعرفه است که نتوان آن را بدون ارائه جبران به شرکای ذی نفع نقض و اضافه نمود. از اهداف دیگر مترتب بر این موضوع، قابل پیش بینی ساختن بیشتر تجارت است (دیجک و فییر، ۱۳۸۶: ۱۶۱). در ماده دوم گات زیر عنوان جداول امتیازات مقررات مربوط به تثبیت تعرفه ها در هفت بند تنظیم شده است. در موافقت نامه های جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) و تجارت خدمات نیز مقررات مشابهی در همین رابطه لحاظ شده است. به طور کلی، عمده ترین نتیجه دور اروگوئه تنظیم ۲۲۵۰۰ صفحه سند متشکل از تعهدات کشورها در مورد گروههای خاص از کالاها و خدمات است. این تعهدات شامل کاهش و تثبیت نرخ های حقوق و عوارض گمرکی در واردات کالاهاست. در برخی موارد تعرفه ها به حدود صفر تنزل می یابد. افزایش قابل توجهی نیز در تعداد تعرفه های تثبیت شده صورت گرفت. این نرخ های حقوق و عوارض گمرکی که اعضا در سازمان جهانی تجارت تعهد کرده اند، به سختی افزایش می یابد (W.T.O,2007:25).

یکی دیگر از اهداف سازمان جهانی تجارت پس از مرحله تثبیت تعرفه ها، در مرحله دوم کاهش تدریجی آنهاست تا جایی که به هدف آزاد سازی کامل تجارت؛ یعنی تعرفه صفر یا حذف تعرفه ها منجر گردد. کاهش تعرفه ها یکی از مباحث مهم مذاکرات دور اروگوئه بود و تا حدودی وضعیت پیشین را بهبود بخشید و کاهش تعرفه هایی که کشورها متعهد به اعمال آن بر محصولات صنعتی هستند، بسیار بالاتر از مقادیری بود که در دور توکیو صورت گرفت. همچنین، کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار که فعالانه در مذاکرات شرکت نمودند، تعرفه های محصولات صنعتی و کشاورزی خود را کاهش داده اند.

### - ارزیابی و کارایی تعهد به آزاد سازی تجاری:

در حال حاضر آزاد سازی تجاری، یکی از بحث برانگیزترین مقولات در حوزه مطالعات سازمان جهانی تجارت و حتی در حوزه جهانی شدن یا جهانی سازی است و با توجه به گذشت بیش از یک دهه از عمر سازمان جهانی تجارت و پدیدار شدن آثار اولیه این نظام جدید تجاری، آزاد سازی تجاری همچنان و حتی بیشتر از قبل محل مناقشه دو گروه موافقان این و مخالفان است.

شکی نیست که از زمان تأسیس سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۵ قواعد این سازمان تأثیر فزاینده ای بر وضعیت جهانی، بخصوص روند جهانی شدن و همچنین بر نظام های داخلی کشورها گذاشته است. این تأثیر را می توان بخشی از پدیده گسترده تر حکومت جهانی<sup>۱</sup> دانست که حوزه وسیعی از قواعد را وارد صحنه بین المللی کرده است (Button, 2006: 297)، اما برآستی این سازمان که زیر بنا و هدف نهایی آن آزاد سازی تجاری است و در طول عمر بیش از سیزده ساله اش تا کنون در این راه گام برداشته، چه تأثیرات مثبت و منفی بر وضعیت جهان داشته است؟ باید توجه داشت که آزاد سازی تجاری یکی از نتایج فرایندی وسیع تر و عمیق تر در سطح بین المللی به نام جهانی شدن یا جهانی سازی است و این دو مقوله ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. اگر آزاد سازی تجاری را معلول جهانی شدن بدانیم و نه علت آن، بی شک می توان اذعان کرد که آزاد سازی تجاری نقش مهمی در جهانی سازی داشته و لذا تا حدودی در برابر انتقادات وارده بر آن مسؤول است و باید پاسخگو باشد.

### - دیدگاه مخالفان:

#### ۱. ماهیت وجودی سازمان تجارت جهانی: توسعه یا آزادی تجارت؟

آزاد سازی تجاری فرآیندی طولانی است که از گات ۱۹۴۷ آغاز گشته و تا کنون با سرعت های متفاوتی توسعه یافته است. به قول برخی، آزاد سازی تجاری در گات مثل دوچرخه ای بود که دولت ها یا باید پدال آن را فشار می دادند و یا از آن پیاده می شدند در حالی که مذاکرات پس از دور اروگوئه در سازمان جهانی تجارت به مثابه اتوبوسی است با تعداد زیادی

1. Global governance

راننده و هیچ کس نمی داند که این اتوبوس به کجا می رود، در حالی که کشورهای توسعه یافته خصوصاً مایلند که هدف سازمان جهانی تجارت را صرفاً آزاد سازی تجاری قلمداد کنند، اما کشورهای در حال توسعه معتقدند که هدف کلیدی این سازمان توسعه است (Steger, 2007: 492).

بنابراین، یکی از انتقادات منتقدان ماهیت وجودی و هدف اصلی سازمان جهانی تجارت است. آیا هدف اساسی سازمان در جهان معاصر واقعاً آزاد سازی تجاری است یا توسعه؟ اگر هدف اصلی آزاد سازی تجاری باشد، در این صورت توجه بیش از حد به نیازهای کشورهای کمتر توسعه یافته و یا در حال توسعه در روند گذار به جامعه کاملاً آزاد تجاری در سطح جهانی توجیه پذیر نیست و این به نفع قدرت های بزرگ اقتصادی است و در صورت عکس؛ یعنی زیر بنا بودن توسعه و تقدم آن بر آزاد سازی می تواند زمینه ساز تمهیدات فراوان برای پاسخ به نیازهای کشورهای فقیر و در حال توسعه باشد. شاید برآیند همین مناقشه مهم است که سبب شده تا مذاکرات دور دوحه هنوز به نتیجه نهایی نرسد، زیرا اشکال اساسی در واقع در ایدئولوژی و جهان بینی سازمان نهفته است. بر اساس گزارش سال ۲۰۰۷ سازمان جهانی تجارت، چالش اصلی سازمان در خلال چند ماه آینده، نهایی کردن موافقت نامه دستور کار توسعه ای دوحه است که به ادغام بهتر کشورهای در حال توسعه در نظام تجارت جهانی منجر می شود. در این گزارش ذکر شده که در سال میلادی گذشته با وجود تلاش های زیادی که از جانب مدیر کل سازمان (که ریاست کمیته مذاکرات تجاری را هم برعهده دارد) انجام گرفت مشخص گردید که بین اعضا اختلافات فاحشی در مورد چهار چوب کلی مذاکرات دسترسی به بازار وجود دارد. در نهایت، پاسکال لامی در گزارش خود به شورای عمومی گفت که با وجود موانع و اختلافات مستمر، تنها راه موجود معلق کردن مذاکرات است تا به دنبال آن بتوان امید به تأمل جدی اعضا و تعدیل در مواضع آنها داشت (دفتر نمایندگی ایران، ۱۳۸۶، خبرنامه شماره ۹۷).

## ۲. گسترش فقر جهانی:

دیگر انتقاد مخالفان آن است که آزاد سازی تجاری و همچنین جهانی سازی باعث گسترش فقر در جهان شده است. آزاد سازی تجاری بیشتر به نفع کشورهایی است که در صحنه آزاد



تجارت بین المللی حرفی برای گفتن و متاعی برای عرضه دارند و این کشورهای ثروتمند و توسعه یافته هستند که از رهگذر باز شدن چنین بازار آزادی بیشترین سود و منافع را برده و برنده اصلی این بازی هستند. در مقابل، کشورهای فقیر و در حال توسعه هستند که به سختی امرار معاش می کنند و غالباً مصرف کننده اند، نه تولید کننده و چیزی برای عرضه در این بازار بزرگ آزاد و بی در و پیکر ندارند و اگر هم مختصر بضاعتی برای عرضه داشته باشند، در شلوغی این بازار و زیر نور چراغ های رنگا رنگ تولید کنندگان کشورهای توسعه یافته و صنعتی گم می شود و به چشم نمی آید. از دیدگاه این گروه، امروزه جهانی سازی برای بسیاری از تنگدستان جهان کاری از پیش نبرده و برای ثبات اقتصاد جهان هم کار ساز نبوده است. آزاد سازی برای کشورهای توسعه یافته منبع سرشار سود است اما برای کشورهای فقیر و در حال توسعه که مؤسسات مالی قدرتمندی ندارند، زیان آور است، زیرا آزاد سازی به خصوص وقتی زود هنگام باشد؛ یعنی مؤسسات مالی قدرتمند تأسیس نشده باشند، بی ثباتی را تشدید می کند (استیگل تیز، ۱۳۸۴: ۹۴).

تجارت جهانی به معنای تقسیم کار بین جوامع است. استدلال های کلاسیک درباره تقسیم کار این مقوله را فرآیندی درون جامعه می انگارد که در دو جهت اجتماعی و فنی مؤثر واقع می شود. تقسیم اجتماعی کار گویای تخصص مشاغل و تقسیم فنی کار گویای تخصص وظایف در درون مشاغل است. یکی از کشفیات مناسب در علوم اجتماعی سده بیستم این است که تقسیم کار بین المللی توسط استعمار و امپریالیسم از نوع تقسیم کار اجتماعی بوده است. جوامع مرکزی یا متروپل ها به تولیدات سرمایه بر با ارزش افزوده بالا و جوامع پیرامونی به تولیدات کاربر با ارزش افزوده پایین می پردازند.

این تقسیم کار موجب پیدایش رابطه سلطه آمیز با وابستگی متقابل می شود (واترز، ۱۳۷۹: ۱۰۶) که نشان دهنده آثار به جا مانده از استعمار است و مانعی در راه فراموشی ملت ها و ادغام در یک نظام هماهنگ تجاری و آزاد است.

### ۳. بی عدالتی و انحصار گرایی و سوء استفاده شرکت های چند ملیتی:

مخالفان آزاد سازی تجارت معتقد به انحصار گرایی شرکت های چند ملیتی بوده، نسبت به آن معترضند. هر چند تظاهرات و تجمعات اعتراض آمیز بر ضد شرکت های چند ملیتی پدیدۀ

جدیدی تلقی نمی شود، اما بدون تردید، تظاهرات و اعتراضات شدیدی که چند سال پیش همزمان با برگزاری کنفرانس وزیران سازمان جهانی تجارت در شهر سیاتل آمریکا رخ داد طرفداران سیاستهای آزاد سازی تجاری را با شوک بزرگی روبه رو ساخت. از آن زمان تا کنون اعتراضات و تظاهرات بر ضد سیاست های آزاد سازی تجاری و به طور کلی، روند جهانگرایی به صورت یک رویه عادی درآمده و با نشست های مختلفی که در گوشه و کنار جهان درباره این موضوعات برپا می شود، همزاد و همزمان شده است (صباغیان، ۱۳۸۴: ۳۳۲).

#### ۴. بی توجهی به محیط زیست بشر:

انتقاد دیگر در مورد نقش آزاد سازی تجاری، در زمینه تخریب محیط زیست و زیر پا گذاشتن مقررات زیست - محیطی است. در دهه های اخیر به خاطر توسعه نا همگون و ناپدار در سطح جهانی مخاطرات زیادی متوجه محیط زیست بشر شده، بشریت را تهدید می کند و لذا مقابله با این تهدیدات مستلزم قربانی کردن منافع اقتصادی است که آزاد سازان تجارت حاضر به امتیاز دهی در این مورد نیستند. به رغم منتقدان، وقتی که مسائل اساسی در مورد تجارت آزاد در یک طرف و مقررات زیست - محیطی در طرف دیگر مطرح است، نظام حل و فصل اختلافات گات و سازمان جهانی تجارت همواره به نفع تجارت و علیه مقررات زیست محیطی رأی صادر کرده است (Hartwich & Peet, 2003: 202). البته، انتقادات دیگری نیز مطرح است که در اینجا به همین موارد ذکر شده اکتفا می شود.

#### - دیدگاه و پاسخ موافقان:

##### ۱. آزاد سازی تجارت و توسعه:

موافقان آزاد سازی تجارت معتقدند که آزاد سازی تجارت به نفع کشورهای در حال توسعه است و در حقیقت، توسعه از رهگذر آزاد سازی تجارت تحقق می یابد و کشورهای در حال توسعه ذی نفع بالقوه آزاد سازی تجاری در زمینه های کشاورزی، کالاهای تولیدی و خدمات در نتیجه مذاکرات دور دوحه هستند. مطالعات بانک جهانی و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی حاکی از آن است که مهمترین اقدامی که کشورهای توسعه یافته برای سود رسانی به کشورهای در حال توسعه می توانند انجام دهند، حذف تعرفه های کشاورزی است. در زمینه

کالا به گفته بانک جهانی حدود نیمی از منافع حاصله از اقتصاد جهانی در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار خواهد گرفت. افزایش درآمد سالانه کشورهای در حال توسعه تا سال ۲۰۱۵ معادل ۱۴۲ میلیارد دلار یا ۴۹ درصد سود جهانی برآورد می شود. در زمینه خدمات با ایجاد بیش از ۵۰ درصد شغل در این زمینه در آمریکای جنوبی، کارائیب و جنوب شرقی آسیا، امروزه منبع اصلی استخدام در اقتصادهای در حال توسعه، خدمات است (Sevilla, op.cit).

برخی نیز معتقدند که هسته اصلی تفکر تجارت بین المللی ماهیت منافع متقابل تجارت آزاد<sup>۱</sup> است و لذا از طریق افزایش آزاد سازی تجاری است که هر کشوری نفع می برد و وضعیت رفاهی خود را بهبود می بخشد. شاید با قدری کمک، همه کشورها بتوانند مزیت نسبی خود را کشف و از آن استفاده نمایند و سپس مقدرات اقتصادی خود را از طریق سیاست‌های مورد نظرشان رقم بزنند (Kapstein, 2007, :123).

## ۲. رفع فقر جهانی:

موافقان آزاد سازی تجاری معتقدند که فرآیند آزاد سازی تجاری نه تنها باعث گسترش فقر نمی شود، ابزار مناسبی برای فقر زدایی از جهان است و می تواند در کاهش فقر جهانی مؤثر واقع شود. آنها می گویند تجارت باعث ارتقای رشد اقتصادی و در نتیجه باعث کاهش فقر می شود (Jagdish, 2004, Chapter 5). برای مثال، دو کشور بزرگ چین و هند با هر تعریفی از فقر درصد بالایی از فقیران دنیا را در خود دارند. تا اواسط دهه ۱۹۸۰ این دو کشور به دلایل مختلف از سیاست های درون گرایانه در زمینه تجارت و سرمایه گذاری پیروی می کردند و از فرصت های اقتصادی جهانی برای ارتقای رشد اقتصادی استفاده نمی کردند. به همین دلیل، این دو کشور نرخ های رشد صادرات و در نتیجه نرخ های رشد در آمد پایینی داشتند. تجربه دو کشور هند و چین از اواسط دهه ۱۹۸۰ و گرایش آنها به سوی سیاست های آزاد سازی اقتصادی و لو به درجات مختلف، به خوبی روی دیگر سکه را نشان می دهد (Sutherland, 2004, Para. 18-19). چین که مشتاقانه بازار خود را به سوی تجارت آزاد گشود و تجارت خود را گسترش داد، بیشتر از ۲۵۰ میلیون نفر را از فقر نجات داده است. طبق برآورد مطالعات بانک جهانی و مؤسسه اقتصاد بین الملل پیترسون، تجارت آزاد جهانی می تواند ده ها

1. The mutually beneficial nature of free trade

میلیون نفر را از فقر نجات داده، سالانه ۲۰۰ میلیارد دلار به اقتصاد کشورهای در حال توسعه تزریق کند (Sevilla, Op.cit.).

### ۳. برقراری عدالت اقتصادی جهانی :

موافقان آزاد سازی تجاری استدلال می کنند که هدف از برقراری عدالت اقتصادی جهانی آماده کردن زمینه و شرایطی است که تحت آن شرایط این امکان فراهم شود که همه دولت ها مزیت های اقتصادیشان را به کار اندازند و به رشد پایدار برسند. سازمان جهانی تجارت بر محور صرفاً عمل متقابل یا دو جانبگی صرفاً<sup>۱</sup> استوار نیست که بر اساس آن هر دولتی به همان مقداری که می دهد، دریافت می کند، بلکه بر مبنای دو جانبگی منعطف<sup>۲</sup> استوار است که در آن از اعضای ضعیفتر توقعات کمتری دارند. دو جانبگی منعطف، خصوصاً در مورد بیماری ایدز مصداق دارد، زیرا اجتماع دولت ها باید با مسأله ایدز مقابله کنند و لذا بر اساس همین دو جانبگی منعطف همه اعضای سازمان مایل به کمک به فقیرترین دولت ها هستند تا با این مسأله که در پیش روی همگان است، مبارزه کنند (Kapstein, 2007: 124).

در پاسخ به انحصار گرایی شرکت های چند ملیتی، موافقان آزاد سازی تجارت استدلال می کنند که این گونه شرکت ها تحت مالکیت مردم قرار دارند، مردم در آنها کار می کنند و مالیات می پردازند که سایرین از آن بهره می برند. بنابراین، منافع شرکت ها لزوماً منافع خصوصی نیست که به مصلحت و منافع اجتماعی لطمه بزند (Sutherland, 2004, Para: 13). از طرفی باید پذیرفت که آزاد سازی تجاری خودش فی نفسه مرزهای انحصار گرایی را چه در سطوح داخلی و ملی و چه در سطوح بین المللی می شکند و بازار رقابت آزاد باعث می گردد تنها فروشندگان و تولید کنندگانی در بازار باقی بمانند که بهترین تولیدات را با ارزان ترین و مناسب ترین قیمت ها عرضه می نمایند و این خود به مفهوم شایسته سالاری است. بالطبع شرکتی که با مدیریت صحیح و بر پایه تلاش و کوشش اعضای خود و تحقیقات و تجربیات مستمر کالایی با قیمت نازلتر در بازار آزاد عرضه می کند مورد اقبال مردمی بیشتری قرار می گیرد و رقبا را از دور خارج می سازد و این فرآیند یک منفعت دو طرفه دارد. تمایل کشورهای

1. Plain reciprocity

2. Relaxed or diffuse reciprocity.

فقیر به وارد شدن به بازار آزاد تجاری نیز خود دلیلی بر مشروعیت این بازار است، زیرا آنها منافع خود را در مشارکت در این بازار احساس می کنند و از منافع آن برخوردار می گردند. کشورهای کمتر ثروتمند<sup>۱</sup> در حال حاضر نقش مهم و رو به افزایش در تجارت و سرمایه گذاری بین المللی بازی می کنند. از سال ۱۹۸۰ مشارکتشان در صادرات محصولات جهانی از ۱۰ درصد به ۲۰ درصد افزایش یافته است. بر اساس مطالعات بانک جهانی، این مشارکت تا سال ۲۰۲۰ به ۵۰ درصد خواهد رسید (Sally, 2000: 403).

#### ۴. آزاد سازی تجاری، محیط زیست و حقوق بشر:

مقولات حقوق بشر و محیط زیست، امروزه در صدر توجه افکار عمومی جهانی است. برخورداری انسان از محیط زیست سالم به عنوان حقی در شمار حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. لذا لازم است هماهنگی لازم میان آزاد سازی تجارت و توجه به مسائل حقوق بشر صورت گیرد، اما طرفداران محیط زیست نباید تصور کنند که چون تجارت آزاد ممکن است بدون وجود یک سیاست زیست - محیطی بهینه تحقق یابد، پس محیط زیست حتماً لطمه خواهد خورد (Sutherland, 2004, Para: 31). یکی از گزارشهای گات در سال ۱۹۹۱ نشان می دهد که هم درآمد و هم محیط زیست می تواند به وسیله آزاد سازی تجارت بهبود یابد و به وسیله حمایت گرایی تجاری آسیب ببیند. بنابراین، روش درست این است که از یک طرف با سیاست زیست - محیطی مناسب از محیط زیست نگهداری کنیم و از طرف دیگر با حفظ تجارت آزاد به بیشترین عواید تجارت و در نتیجه رفاه اقتصادی دست یابیم (ibid, Para: 33).

#### برخی چالشهای آزاد سازی تجاری:

##### - سیاست های حمایتگرانه از تولیدات داخلی:

حمایت از تولیدات داخلی و رفتار تبعیض آمیز با فلسفه تجارت آزاد که از اهداف سازمان تجارت جهانی است، مغایرت دارد. پاسکال لامی، مدیر کل فعلی سازمان جهانی تجارت در مراسم جشن بیستمین سالگرد آغاز مذاکرات دور اروگوئه اظهار می دارد که فلسفه اصلی آزاد

1. Less - than - rich countries.

سازی های تجاری که به تصمیم گیری درست وزیران گات در بیست سال پیش برای اتخاذ این تصمیم حیاتی منجر شد، ارتقای رشد و توسعه اقتصادی کشورها از طریق آزاد سازی بازارها، کاهش حمایت گرایی و تصحیح انحرافات تجاری و اقتصادی و درک درست این رابطه توسط آنهاست. وی این رابطه را هنوز هم یکی از بنیادی ترین و شفافترین دلایل ضرورت تداوم آزاد سازی هایی بر شمرد که می تواند به رشد و توسعه اقتصادی کشورها و شکوفایی هرچه بیشتر اقتصاد جهانی و کاهش فقر ملل محروم کمک مؤثری کند. علی رغم این چشم انداز، خوشبینانه دولت ها هنوز در قبال اتباع داخلی خود احساس نوعی مسؤولیت می نمایند و حمایت از اقتصاد داخلی مورد پشتیبانی اکثر کشور هاست (کاسسه، ۱۳۷۰: ۳۸۱).

موضوع حمایت گرایی همواره از مباحث مطروحه در نشست های وزیران سازمان جهانی تجارت بوده و هست؛ به طوری که اعلامیه های دوحه هیچ گونه شک و تردیدی در مورد آرمان خواهی های اعضا بر جا نمی گذارد. آنجا که اعلام می دارد: ما مصمم به حفظ و تداوم فرآیند اصلاح و آزاد سازی سیاست های تجاری هستیم و متعهدیم که استفاده از سیاست های حمایت گرایی را نفی کنیم. این الفاظ قاطع باید به دوره ای پایان دهد که در آن شکاف میان مواضع کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه افزایش می یابد (دیجت و فیبر، ۱۳۸۶: ۱۸).

سیاست حمایت گرایی کشورهای در حال توسعه بیشتر متأثر از وضعیت اقتصادی آنهاست. اقتصادهای شکننده این گونه کشورها غالباً بدون اتخاذ سیاست حمایتی از سوی دولت هایشان تاب مقابله با هجوم ناشی از آزاد سازی تجاری را ندارد. در واقع مشکلات متعدد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه و تعامل آنها به نحوی است که هر یک زاییده و در عین حال متأثر از دیگری است و پیچیده تر از آن است که سهم قابل توجهی از بازار جهانی نصیب آنها شود. هرچند کشورهای تازه صنعتی شده در چند دهه اخیر راه هایی برای صنعتی شدن و توسعه اقتصادی یافته اند، اما اکثر کشورهای در حال توسعه در این مسابقه در ابتدای راهند و باید به انجام اصلاحات گوناگونی در زمینه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود بپردازند تا با علم و آگاهی و اتخاذ سیاست های مدیریتی صحیح و بلند مدت در سطح کلان اقدام به ریشه کن کردن مشکلات نمایند. لذا در سازمان جهانی تجارت، از بدو تأسیس با توجه به تفاوت بین کشورهای در حال توسعه و صنعتی، امتیازاتی برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده است.

#### - سیاست های ارشادی و دخالت دولتها در اقتصاد:

دخالت و سیاست های ارشادی دولتها در اقتصاد، مغایر اصل عدم تبعیض - که لازمه تجارت آزاد است - محسوب می‌گردد. هر چند دخالت و سیاست های ارشادی دولتها در اقتصاد در بحران دهه ۱۹۳۰ توانست اقتصاد جهان را از حالت بحران خارج سازد، اما کارایی آن تنها در همان دوران خاص و رفع بحران مؤثر بود. علت تمایل دولتها به سیاست های ارشادی را شاید بتوان در مفهوم حاکمیت سنتی دولت ها که همچنان بر حاکمیت مطلق تأکید دارد، جستجو کرد که به خصوص دولت های جهان سومی و در حال توسعه برای مقابله با هجوم اقتصاد بازار آزاد جهانی و در زمانی که قادر به کنترل تأثیرات آن بر اقتصادهای ضعیف و شکننده خود نیستند چاره کار را در دخالت مستقیم در اقتصاد و اتخاذ سیاستهای ارشادی و دستوری برای کنترل بحرانهای اقتصادی ناشی از آن می بینند.

#### - تفاوت سطح توسعه کشورها:

یکی از ویژگی ها و واقعیت های جهان معاصر تفاوت کشورهای جهان از نظر سطح توسعه است به طوری که در فرهنگ روابط بین المللی برخی کشورهای جهان به کشورهای توسعه یافته<sup>۱</sup> شهرت یافته اند که تعداد آنها اندک است، برخی به کشورهای در حال توسعه<sup>۲</sup> که تعداد کثیری از کشورهای جهان را شامل می شوند و برخی به کشورهای با سطح توسعه ضعیف<sup>۳</sup> و حتی برخی توسعه نیافته<sup>۴</sup> یا کشورهای جهان چهارم<sup>۵</sup> موسوم شده اند. این عدم تعانس به خصوص از لحاظ اقتصادی همواره یکی از مباحث مهم و نقطه عطف مناقشات بین المللی به خصوص در رابطه با مسائل تجارت بین المللی بوده است. مثلاً جهان چهارم طبقه بندی سازمان ملل است و کشورهای دارای کمترین سطح توسعه را در بر می گیرد که نیازمند رفتاری ویژه از لحاظ کمک و طرح های توسعه می باشند. بسیاری از مردم جهان چهارم تحت شرایطی زندگی می کنند که سطح درآمد شان حتی تکافوی نیازهای ضروری غذا، پوشاک و

1. Developed countries.
2. Developing countries
3. Least developed Countries.
4. Non-developed countries
5. Fourth world

سرپناه را نمی دهد (پلانو و اولتون، ۱۳۷۶: ۶۵). این شکاف عمده میان کشورهای جهان باعث طرح مبحث حق توسعه در دهه های اخیر گردیده و در اوائل دهه ۱۹۷۰ مفهوم حق توسعه به مثابه یکی از حقوق بشر مطرح گردیده است. در دهه ۱۹۷۰ جامعه بین المللی بارها جنبه های گوناگون حق توسعه را بحث و بررسی کرد. قطعنامه شماره ۴ کمیسیون حقوق بشر مورخ ۲ مارس ۱۹۷۹ صراحتاً حق توسعه را به عنوان یکی از حقوق بشر به رسمیت شناخت و از دبیر کل خواست تا شرایط لازم را برای برخورداری مؤثر همه مردمان و همه افراد از این حق بررسی نماید. متعاقباً گزارش های مختلف درباره بررسی حق توسعه و مباحثات مفصل در کمیسیون و مجمع عمومی به تدوین پیش نویس اعلامیه راجع به حق توسعه منتهی شد که در دسامبر ۱۹۸۶ رسماً به تصویب مجمع عمومی رسید. در سال ۱۹۹۳ نیز در وین و در کنفرانس جهانی دوم سازمان ملل درباره حقوق بشر حق توسعه به عنوان یک حق مسلم جهان شمول و جزئی لاینفک از حقوق بنیادین بشر شناخته شد (سنگوپتا، ۱۳۸۳: ۱۸۳ و ۱۸۴).

#### مشکل ادغام کشورهای با سطح توسعه متفاوت در نظام تجاری یکپارچه:

با ملاحظه تفاوت های بسیار مهم و ماهوی اقتصادی میان کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، ادغام آنها در سایه اصل آزادسازی تجارت در یک نظام تجاری جهانی که هدف اساسی سازمان جهانی تجارت است - امری پیچیده و دشوار است. از این رو، تمهیداتی برای رفع این معضل باید اندیشه می شد. برای نمونه، در دور اروگوئه مقرر گردید که از سال ۱۹۹۵ کشورهای صنعتی پنج سال برای هماهنگ سازی مقررات خود با قوانین سازمان تجارت جهانی فرصت داشته باشند، در حالی که این مهلت برای کشورهای در حال توسعه ده سال تعیین گردید. اما شکاف توسعه کشورهای صنعتی و برخی از کشورهای در حال توسعه از نظر زمانی آنقدر زیاد است که این نسخه این درد را علاج نمی کند.

به نظر می رسد تأکید غالب کشورهای در حال توسعه بر سیاست های حمایتی، معلول فرصت های از دست رفته آنها در روند پیشرفت و توسعه اقتصادی جهان در طول قرن بیستم است. فرصتی که کشورهای توسعه یافته با تکیه بر داشته های پیشین خود و اتخاذ سیاست های کارآمد اقتصادی در سایه ثبات سیاسی باز یافته بعد از جنگ جهانی دوم به خوبی از آن



بهره گرفتند و تعادل اقتصادی بین کشورهای شمال و جنوب<sup>۱</sup> را به نفع خود به شکل برگشت ناپذیری بر هم زدند. برنارد هوکمن، یکی از صاحب نظران اقتصاد جهانی و سازمان جهانی تجارت مقاله ای در نقد گزارش ساترلند و همکاران ایشان نوشته و عنوان آن را «گسترش عضویت سازمان جهانی تجارت و علایق نا متجانس<sup>۲</sup>» انتخاب نموده است که به خوبی عدم تجانس اعضای آنرا از جنبه توسعه ای نشان می دهد. وی با دیدی انتقادآمیز می گوید سازمان جهانی تجارت نهادی برخاسته از مکتب سوداگری<sup>۳</sup> است و به وسیله این مکتب هدایت می شود و اعضای آن به دنبال آن هستند که شرایط مبادلات خود را از طریق دسترسی بهتر به بازارهای سایر کشورهای عضو بهبود بخشند و به همین دلیل، توجه اصلی به هیچ وجه بر موضوعهایی، مانند رفاه یا چشم انداز رشد اقتصادی اعضا و یا حتی تعیین مشخصه های یک سیاست تجاری خوب متمرکز نبوده است و لذا اساساً دستگاه عریض و طویل سازمان جهانی تجارت غیر از ساز و کار محدود و مختصر بررسی سیاست های تجاری، اساساً کاری به کشورهای فقیر ندارد و کمترین نقش و مداخله را در تعیین سیاست های توسعه ای آنها دارد (Hoekman, 2005:402).

در هر حال، این واقعیت را باید پذیرفت که در سازمان جهانی تجارت در حال حاضر اکثریت با کشورهای در حال توسعه است. لذا در سال ۲۰۰۱ به دنبال اجلاس دوحه، وزیران شرکت کننده در کنفرانس اعلام نمودند که اکثریت اعضای سازمان جهانی تجارت کشورهای در حال توسعه هستند و ما در جستجوی قرار دادن نیازها و منافع آنها در قلب برنامه کاری این دور هستیم و نام برنامه کاری خود را دستور کار توسعه دوحه<sup>۴</sup> نهادند. بنابراین، توسعه همواره نقش مهمی هم در گات و هم در سازمان جهانی تجارت بازی کرده است (Andrew, 2004: 445). با توجه به تفاوت سطح توسعه کشورهای مختلف عضو سازمان جهانی تجارت و این نکته که بیش از دو سوم اعضای این سازمان کشورهای در حال توسعه هستند، تعجب آور نیست که توجه به نیازها و ملاحظات توسعه ای آنها از جایگاه ویژه ای در تدوین و اجرای مقررات سازمان جهانی تجارت برخوردار است.

1. North-south relations
2. Expanding wto membership and heterogeneous interests
3. Mercantilism
4. Doha Development Agenda

### نتیجه گیری

اصل آزادسازی تجاری یکی از اصول اساسی سازمان جهانی تجارت است. آزادسازی تجارت در سطح بین المللی، یکی از اهداف اصلی تاسیس این سازمان نیز هست. این هدف به صورت تدریجی و از طریق کاهش موانع تجاری، از جمله حقوق گمرکی یا تعرفه ها و کاهش محدودیتهای وارداتی، مانند سهمیه بندی ها که عامل محدود کننده تجارت بین المللی است حاصل می شود. همه اعضای سازمان جهانی تجارت به این اصل مهم متعهد شده اند، اما مباحث زیادی پیرامون این اصل بخصوص در مرحله اجرای آن مطرح است. آزاد سازی تجاری در سطح بین المللی پدیده ای است که از طریق تقسیم بین المللی کار و تخصص بین کشورها می تواند زمینه رشد و توسعه اقتصادی آنها را فراهم آورد، اما تفاوتهای عمیق میان اعضای این سازمان؛ یعنی کشورهای کمتر توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه یافته از نظر سطح اقتصادی و همچنین نیازها و دغدغه های آنها، مشکلات متعددی بر سر راه ادغام این کشورها در یک نظام تجاری چندجانبه ایجاد کرده است. برخی آزاد سازی تجاری را موجب توسعه فقر و بی عدالتی، انحصار گرایی، سوء استفاده شرکتهای چند ملیتی و تخریب محیط زیست دانسته اند، در حالی که گروه دیگری به عکس معتقدند که آزاد سازی تجارت باعث رفع فقر جهانی، برقراری عدالت اقتصادی جهانی و کمک به حقوق بشر و محیط زیست می گردد. علاوه بر مباحث نظری در مورد ماهیت آزادسازی تجارت بین المللی، اجرای این اصل با چالشهایی، از جمله سیاست های حمایت گرایانه از تولیدات داخلی، سیاستهای ارشادی دولتها و مشکل ادغام کشورهای با سطح توسعه متفاوت در سازمان جهانی تجارت مواجه است که اتخاذ تدابیر مناسب، از جمله پرهیز از شتاب زدگی و افراط و تفریط در جریان اجرای این اصل و توجه کافی به نگرانیهای کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه و توجه کافی به مبانی نظری آن و تقسیم کار بین المللی می تواند در اجرای درست این اصل راهگشا باشد.

### فهرست منابع

#### - فارسی

- استیگل تیز، جوزف. (۱۳۸۴). **جهانی سازی و مسائل آن**، ترجمه حسن گلریز، تهران: نشرنی، چاپ سوم.
- بید آباد، بیژن و طبری، فتحیه. (۱۳۸۴). **سازمان جهانی تجارت و الحاق ایران**، بخش مبنای نظری، در سایت اینترنتی: <http://www.bidabad.com/doc/wto-Iran-gtml>
- پلانو، جک سی و اولتون، روی. (۱۳۷۶). **فرهنگ اصطلاحات روابط بین الملل**، ترجمه دکتر پرویز علوی، مؤسسه نشر علوم نوین.
- پژوهان، جمشید، خداداد کاشی و موسی جهرمی. (۱۳۸۳). **کلیات علم اقتصاد**، دانشگاه پیام نور، چاپ ششم.
- تقوی، مهدی. (۱۳۷۲). **مبنای علم اقتصاد**، مرکز آموزش و پژوهش صنایع ایران، چاپ دوم.
- دفتر نمایندگی تام الاختیار جمهوری اسلامی ایران، معرفی سازمان جهانی تجارت، در سایت: <http://www.irtr.gor.ir/pages/wto.asp>
- دفتر نمایندگی تام الاختیار جمهوری اسلامی ایران، **نگاهی به گزارش سال ۲۰۰۷ سازمان جهانی تجارت**، خبرنامه شماره ۹۷، سال یازدهم، مردادماه ۱۳۸۶.
- دیجک، پیتووان و فی بر، گریت. (۱۳۸۶). **کشورهای در حال توسعه و دستور کار توسعه دوحه در سازمان جهانی تجارت**، ترجمه مسعود طارم سری و سیف الله صادقی یارندی، مرکز ملی مطالعات جهانی شدن.
- رحیمی بروجردی، علیرضا. (۱۳۷۴). **روابط تجاری بین المللی معاصر، تئوری ها و سیاست ها**، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- سنگوپتا، آرجون. (۱۳۸۳). **حق توسعه در نظریه و عمل**، ترجمه دکتر منوچهر توسلی جهرمی، **مجله حقوقی**، ش ۳۰، بهار.
- صباغیان، علی. (۱۳۸۴). «**ضد جهانی شدن**»، در کتاب **جهانی شدن فرصت ها و چالش ها**، ترجمه و تدوین دکتر وحید بزرگی و دکتر علی صباغیان، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- کاسسه، آنتونیو. (۱۳۷۰). **حقوق بین الملل در جهانی نامتحد**، ترجمه دکتر مرتضی کلانتریان، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران.

- محتشم دولت‌شاهی، طهماسب. (۱۳۸۵). اقتصاد بین الملل، تجارت بین الملل، مالیه بین الملل، تهران: نشر پشوتن، چاپ نهم.
- واترز، مالکوم. (۱۳۷۹). جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، سیاوش مریدی، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.

- لاتین

- Andrew, Mitchell.(2005). A Legal principle of special and differential treatment for W.T.O disputes, World Trade Review, Vol. 5, No. 3.
- Button, coatherine.(2006). The power to protect trade, Health and uncertainty in the W.T.O, World Trade Review, Vol. 5, No.2.
- General Agreement on Tariffs and Trade, at: <http://www.worldtradelaw.net/uragreements/gatt.pdf>
- Hartwich, E. & peet, R.(2003). Neoliberalism and nature, The Annals of the American Academy.
- Hoekman, Bernard.(2005). Expanding W.T.O membership and heterogenous interests, World Trade Review, Vol.4, No.3.
- Jagdish Bhagwati.( 2004). In defense of Globalization, Oxford University press.
- Kapstein, Ethan.( 2007). Economic Justice in an Unfair World: towards a level playing field, World Trade Review, Vol. 6, No.1.
- Sally, Razeen.( 2000). Developing country trade policy reform and the W.T.O, Cato Journal, Vol. 19, No. 3.
- Sevilla, Christina.( 2007). Why liberalize trade? , ejournal USA, January, at: <http://usinfo.State.Gov/Journals/itee/0107/ijee/sevilla.htm>
- Steger, Debra.( 2007). The Culture of the W.T.O: why is need to change, Journal of International Economic Law, vol. 10, No. 3.
- Sutherland, et. al.(2004).The future of the W.T.O, W.T.O publications, Geneva.
- W.T.O, Principles of the trading system, revised at 2007, P.13. At: <http://www.wto.org/English/thewto-e/whatis-e/tif-e/fact2-e.htm>.